

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرح نوتاش

۲۱ اکتوبر ۲۰۲۰

## نظری به مقاله

### (سوسیالیسم: شروعی بر آغاز حاکمیت شورائی یعنی چه؟)

از رستم وحیدوف – برگردان از: ا. م. شیرینی

جبهه جهانی ضد امپریالیست قدرت زنان ویانا ۲۰ اکتوبر ۲۰۲۰

در شکوه انقلاب کبیر اکتوبر به رهبری لنین کبیر، مطالب بسیاری توسط نویسندگان جهان نوشته شده است و به همت برخی نویسندگان غیر روسی، انحرافات و علل فروپاشی (یا به قول برخی تجزیه) به رشته تحریر درآمده است. اما یافتن تمام گوشه های تراژیدی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، خواندن تمام مقالات نویسندگان روس را نیز الزامی می کند.

رستم وحیدوف بدرستی نوراکن را به برخی از اقدامات سیاست داخلی لنین بزرگ، انداخته و در مقایسه با آنچه که در روسیه امروز روی می دهد، دنیائی از درد و حسرت و تأسف را برای خواننده رقم زده است.

در پاراگراف اول صفحه دوم، ضد و نقیضی در دو جمله، نظر نویسنده را از رسیدن باز می دارد.

(من بر این باورم، که تاریخ توسط شخصیت‌های نابغه اداره نمی شود. آنها فقط می توانند برخی روندهای تاریخی را اصلاح و قوانین عینی را تنظیم نمایند. ۱) - (۲) - اما بدون وجود لنین و توانائی و قاطعیت او، بدون ذکاوت سیاسی و انعطاف پذیری او، روسیه نمی توانست از فاجعه رویارویی داخلی بپرهیزد و به یک کشور قوی، مقتدر و آماده برای هم دارای توانائی انجام این تحقق دستاوردهای نوین تبدیل شود.)

(پاراگراف پایانی از صفحه ۲)

-این پاراگراف جواب به آنانی است که می گویند فروپاشی نشده است، فقط تجزیه شده است!-

در ماه مه سال ۱۹۱۸ لنین فرمان توزیع مسکن دولتی را امضاء کرد. در سال ۱۹۱۹ میزان بهداشتی مسکن برای هر نفر ۹ متر مربع تعیین گردید. به این ترتیب، اتحاد شوروی برای اولین بار در تاریخ، حق مسکن برای عموم را به رسمیت شناخت. اکنون ثروتمندان به سبب این که از این فرمان لنین "آسیب دیدند"، باران اشک سرازیر می کنند، اما این یک اقدام انساندوستانه بزرگ بود. زیرا، زحمتکشان فقیر از زاغه ها، حلبی آبادها و سردابه های نمور که خانواده های بسیاری در آنها به سر می بردند، نجات یافتند. بنا به تصمیم حاکمیت شوروی به هر خانواده به تعداد نفرات، اتاق تعلق گرفت! لنین اساس برنامه مسکن اجتماعی را نیز که بعدها در اتحاد شوروی تحقق یافت، بنیان نهاد. سپس کشورهای سرمایه داری (مثلاً فرانسه) از روسیه سوسیالیستی تبعیت کردند. از این فرمان در روسیه امروز فقط تأمین

کودکان یتیم سرمایه داری (مثال با مسکن باقی مانده و آن هم با کلی مشکلات و فریبکاری حق مسکن را ملغا کرده اند و شهرها از بیخانمان پر شده است).

(صفحه ۶ پاراگراف وسط)

ناگزیرم چنین ملاحظه "فریبنده" را بیان کنم: شاید، به دلایل شرایط عینی، جغرافیائی، فرهنگی و تاریخی، ما درک منفی از دموکراسی داریم و برای ما دولت مقتدر، ایدئوکراتیک لازم بود. با این وصف، در برابر تاریخ حق با ستالین بود. (البته، این بدان معنی نیست که در همه موارد حق با ستالین بود)، اما، از دیگر طرف، اقتدارگرایی می تواند ماهیت دوگانه داشته باشد: روشنگرانه، در خدمت خلق، مانند دوره ستالین، یا خلفکار، در خدمت صاحبان ثروت، مثل حالا. و این هر قدر هم عجیب به نظر برسد، دیگر اشکال اقتدارگرایی، خودگردانی مردمی و آزادیهای معینی را حذف نمی کند. بین آزادی و ضرورت یک رابطه دیالکتیکی وجود دارد که لیبرالها قادر به درک آن نیستند.)

این مقاله فشار همه جانبه اتحادیه امپریالیست ها و توطئه های آنان برای فروپاشاندن اتحاد جماهیر شوروی جوان را که به دیکتاتوری ناگزیرسخت در زمان ستالین منتهی شده است، نادیده گرفته است.

از طرفی دیگر، اصل دیکتاتوری در نظام سوسیالیستی به اتحاد جماهیر شوروی مربوط نمی شود. بعد از تراژیدی عظیم فروپاشی کمون پاریس بعد از ۴ ماه حاکمیت، و قتل عام کمونرها و به تبعید فرستادن ۵۰۰۰ نفر مابقی به افریقا که هرگز باز نگشتند، اصل دیکتاتوری پرولتاریا وارد اصول مارکسیسم شده است.

اگر چه نویسنده به بافت فئودالی جامعه اشاره کرده است ولی کوچکتری اشاره ای به ارکان اساسی انحرافات تاریخی نکرده است. و حاکمان امروز را که میراث داران انحرافات تاریخی و نفوذ و فروپاشی توسط امپریالیست ها هستند به نوعی مسؤول درجه یک و دو معرفی می کند. و از پرداختن به ریشه خود داری می کند. و انتقاد پوتین از لنین را، بدون ذکر مجرای سوء استفاده امپریالیست ها از "خود مختاری" مورد نقد قرار می دهد.

### **خشت اول گر نهد معمار کج تا ثریا می رود دیوار کج**

تغییر اساسی جهان توسط انقلاب اکتوبر به رهبری لنین کبیر در جهان آغاز شده است و پس لرزه های این انقلاب عظیم سوسیالیستی، بنیان تمام جهان را لرزانده است. تمام اصلاحات در غرب، برای پیشگیری از انقلاب سوسیالیستی رخ داده است. والا بورژوازی هر گز قدمی به عقب بر نمی دارد. انقلاب سوسیالیستی چین، انقلاب ضد استعماری هند، انقلاب سوسیالیستی کوریا، تمام جنبش های ضد استعماری افریقا و خاورمیانه و امریکای لاتین، زنجیره ای، نفس امپریالیست ها را گرفته است.

از این رو انقلاب اکتوبر، فقط مربوط به ملت روسیه نمی شود. انقلاب رهائی بخش انسان های زمین با درجات مختلف بوده است. و عشق و احترام به لنین نه فقط منحصر به روسیه، که بنیانی جهانی دارد. نویسنده این مقاله بدرستی نور افکن را به برخی از اقدامات داخلی او انداخته است. ولی از ابعاد گسترده و جهانی آن یاد نکرده است. و شاید از عشق و احترام جهانیان به لنین بی خبر است.

اکنون که امپریالیست ها با هزار طرفند جامعه انسانی را به سوی برده داری نوین سوق می دهند، و امپریالیست ها هر روز حلقه محاصره به روسیه با همین شرایط را تنگ تر می کنند، عشق و تعهد به انسان ها را از لنین بیاموزیم.

حسرت آنچه را که از دست داده ایم دینامیت راه آینده کنیم.

womens-power.farah-notash.com

www.farah-notash.com

